

رابطه الگو های دلبستگی و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش آموزان مقطع متوسطه

سعید شایوسی زاد^۱، فرامرز خان محمدی^۲

^۱ گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر رابطه الگو های دلبستگی و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر کرمانشاه بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر کرمانشاه هستند که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۲۰۰ نفر از دانش آموزان پسر مقطع ابتدایی که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شده است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس دلبستگی هازن، پنج عاملی شخصیت نئو و مقیاس قلدری می باشد. یافته ها با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه نشان داد که بین الگو دلبستگی ایمن با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد بین الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد بین الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. بین ویژگی شخصیتی روان رنجوری با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. بین ویژگی شخصیتی برون گرایی با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. بین ویژگی شخصیتی گشاده ذهنی با قلدری در دانش آموزان رابطه ای مشاهده نمی شود. بین ویژگی شخصیتی توافق پذیری با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود. همچنین بین ویژگی شخصیتی وجدانی بودن با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. متغیرهای الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی و الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا به ترتیب پیش بینی کننده قلدری در دانش آموزان می باشند.

واژه های کلیدی: الگو های دلبستگی، خصوصیات شخصیتی، قلدری، دانش آموزان

مقدمه

شاید با نگاهی به گذشته و دوران کودکی خود بتوانید تصویر کودکی را در نظر آورید که چشمهای گریان و نگران او به خوراکی خوشمزه ای دوخته شده که لحظه ای پیش در دست او بوده و اکنون در دهان دیگری است یا حرکات شتابزده کودکی که زنگ تفریح مشقهای کودک دیگری را می نویسد شاید هم تالو همین اشکهای آشنا را در چشمان فرزند خود دیده باشید؛ وقتی به هر طرف که رو می کند، با نگاهیهای تحقیرآمیز یا غضبناک همسالانش روبه رو می شود. در سالهای اخیر، بسیاری از جوامع نگرانی خود را درباره اعمال خشونت آمیز کودکان و نوجوانان نسبت به یکدیگر ابراز کرده اند. برخی از کودکان، از همان سنین پایین سعی می کنند که با قلدری و زورگویی آشکار یا زیرکانه، بر همتایان خود غلبه کنند. این حالت، میلی آگاهانه برای بهره کشی مادی، روان شناختی یا اجتماعی از سایرین، از طریق آزار رساندن، تهدید کردن، تمسخر، و ترساندن آنهاست (محمدی و احمدآبادی، ۱۳۹۳). محققانی نظیر الیوت^۱ (۲۰۰۱)، اسمیت^۲ (۲۰۰۲)، و تامپسون^۳ (۲۰۰۴) نشان داده اند که یک کودک از هر ۴ کودک، در مقطعی از زندگی در مقام زورگو و یا قربانی درگیر این فرایند می شود اگر موارد جزئی و خفیف زورگویی را نیز منظور کنیم این میزان به ۶۸ درصد می رسد. متأسفانه در کشور، هنوز تحقیقات گسترده ای در این زمینه انجام نشده است و آمار دقیقی در دست نیست؛ ولی بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که این پدیده در میان کودکان ما نیز بسیار شایع است. آمار نشان می دهد که نسبت زورگوها به قربانی ها سه به دو است؛ یعنی زورگوها بیشترند تعداد کودکان زورگو در میان پسران سه برابر دختران و تعداد قربانی ها در میان آنها دو برابر دختران است پسرها قربانیان خود را از هر دو جنس انتخاب می کنند ولی دخترها بیشتر به آزار دختران دیگر می پردازند البته این آمارها ممکن است همراه کننده باشد؛ چون دخترها کمتر به قلدری های خود اعتراف می کنند و گذشته از آن، برای آزار سایر کودکان معمولاً از روشهای ظریفتر و زیرکانه تر، نظیر کنار گذاشتن قربانی از فعالیت های گروهی، طرد دست جمعی و پخش شایعه استفاده می کنند تا خشونت فیزیکی آشکار (بیابانگرد، ۱۳۸۹). این زورگویی ها بیشتر در میان کودکان همسن و همپایه به وقوع می پیوندد؛ هر چند که بیشتر زورگوها چند ماهی بزرگتر از قربانیان خود هستند. زمان وقوع آن بیشتر زنگ تفریح و یا در راه آمدن به مدرسه یا رفتن به خانه است به همین دلیل نیز مدارس در پیشگیری از وقوع و حمایت از قربانیان؛ مسوولیت مهمی بر دوش دارند. شواهد نشان می دهد که قلدر و قربانی، در برخی از ویژگی ها مشترکند (الف) پیشرفت درسی آنها خوب نیست (ب) در میان کارکنان مدرسه چندان محبوب نیستند (ج) احتمال آن که در خانواده ای دارای مشکل پرورش یافته باشند، بیشتر است زورگویی می تواند در میان اعضای یک زیر گروه نیز واقع شود که در این صورت کودکان سلطه گر در راس مرتبه بندی قرار می گیرند، و کودکان دیگر با ترتیبی کاهنده، تا سرانجام این سلسله مراتب در قاعده به کودک بدبختی می رسد که هدف فشارهای عمومی گروه است. در واقع، مجوز عضویت در گروه کسانی که در قاعده این سلسله مراتب قرار می گیرند، ممکن است پذیرش نقش قربانی باشد. گرچه آنها از این نقش متنفرند؛ اما آن را می پذیرند؛ زیرا یا عضویت در گروه، راه عمده ای برای دستیابی به هویت اجتماعی است و یا از آن می ترسند که سرنوشت آنها در دست گروه به مثابه غریبه و غیرخودی، حتی بدتر از این سرنوشت به مثابه قربانی خودی باشد (ابهری، ۱۳۹۰). در برخی از موارد نیز اعضای ضعیفتر گروه، به ارتکاب بزهکاری یا اقدام های جسورانه و خطرناک وادار می شوند و ظاهراً این قضیه هم درباره پسران صدق می کند و هم دختران. درباره قربانیان عوامل مشخص وجود دارد که کودکان را آسیب پذیر می کند، از جمله تفاوت در نژاد، مذهب، زمینه اجتماعی اقتصادی و هوش علاوه بر این، از برخی عوامل شخصیتی نیز می توان نام برد. یکی از عواملی که می تواند رفتارهای کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد ویژگی های شخصیتی است. شخصیت یک مفهوم انتزاعی است یعنی چیزی است مثل انرژی

^۱ Elliott^۲ Smith^۳ Thompson

در فیزیک که قابل مشاهده نیست بلکه از طریق ترکیب رفتار، افکار، انگیزش، هیجان استنباط می‌شود. شخصیت باعث تفاوت کل افراد از همدیگر می‌شود اما این تفاوت فقط در بعضی از ویژگی‌ها و خصوصیات است، به عبارت دیگر افراد در خیلی از ویژگی‌های شخصیتی به هم شباهت دارند. بنابراین شخصیت را می‌توان از این جهت که چگونه مردم با هم متفاوت هستند و از این جهت که چگونه به هم شباهت دارند مورد مطالعه قرار داد (شاملو، ۱۳۸۸). افراد با هر جنبه از شخصیت به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند و دارای انتظارات خاصی هستند توانایی و مهارت رفتاری منحصر به فرد و نیز نیازهای متفاوتی دارند و بر اساس الگوی شخصیتی خود دارای نیازها، انتظارات، انگیزه‌ها، توقعات و اهداف خاصی می‌باشند. از طرفی سازمان‌ها نیز بر حسب اهداف، وظایف و فعالیت‌های خود نیازها، انتظارات و توقعات خاصی را ارضاء می‌کنند، بنابراین برای هر یک از انواع شخصیت‌های متفاوت شغل‌های متفاوتی مناسب است (رضوانی، ۱۳۸۹). از نظر کارکردی نیز اجتماعی شدن و آشنایی با قوانین، نقش‌ها و ارزش‌های فرهنگی به طور طبیعی در خانواده صورت می‌پذیرد، کودک در تعاملات ابتدایی خود با خانواده به یک موجود ابتدایی تبدیل می‌شود. کارکردهای خانواده ممکن است کاملاً متنوع باشد، اما کارکرد اصلی خانواده باید برآوردن نیازهای فردی اعضای خانواده باشد. مثلاً در موقع لطمه شدید به یکی از اعضای خانواده، این نیازها امکان دارد به شکل تقاضای فرایند برای منابع و وقت خانواده درآید. برای پاسخگویی به نیازهای فراوان خانوادگی می‌توان رویکردهایی را برای مداخله طرح‌ریزی کرد (کریمی، ۱۳۹۲). بعضی از پژوهشگران اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی را در یکپارچه کردن مولفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری مورد تاکید قرار داده اند. همچنین، شواهد علمی حاکی از آن است بین دلبستگی با آسیب شناسی روانی در دوره کودکی، نوجوانی و بزرگسالی رابطه وجود دارد. برای مثال شیور و همکاران رابطه معناداری بین سبک‌های دلبستگی با اختلالات خلقی، اضطرابی، شخصیت و سوء مصرف مواد گزارش کرده اند (بشارت، ۱۳۹۱). به طور کلی افراد با الگو دلبستگی ایمن خواهان تعامل و همکاری و رفتار چسبندگی به مراقب خود بوده و در حضور او احساس راحتی می‌کنند. افراد با الگو دلبستگی اجتنابی از این که به رابطه دوسویه با مراقب خویش بپردازند اجتناب کرده و رفتاری حاکی از عدم راحتی نشان می‌دهند. در نهایت افراد با الگو دلبستگی ناایمن دو سو گرا رفتار متعارض با مراقب خویش نشان می‌دهند، که از یک طرف خواهان گرایش به مراقب و تعامل با او بوده و از سوی دیگر خواستار گریز یا اجتناب از او هستند. دلبستگی ایمن بعنوان مناسب ترین سبک دلبستگی شناخته شده و در مداخلات بالینی مربوط به افراد دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن سعی می‌شود سبک دلبستگی ایمن باز سازی و تقویت شود. دلبستگی ایمن بخش دارای اثرات کوتاه مدت و بلندمدت است در کوتاه مدت فرآیند دلبستگی به منظور نگهداشتن مجاورت بین افراد و مراقبت کننده اش برای سلامتی و مراقبت عمومی اهمیت دارد (آلواراد^۴، ۲۰۱۲). با این حال می‌توان گفت یکی از عوامل شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی کیفیت دلبستگی در زمان کودکی فرد می‌باشد؛ ازاین رو پرداختن به نظریه دلبستگی می‌تواند راهی برای مطالعات موردنظر در زمینه رشد و شکل‌گیری شخصیت افراد در آینده باشد. (امامی، ۱۳۹۰). بسیاری از مطالعات نگرش‌های منفی را پیش بینی کننده ی افسردگی و اضطراب در دوران بزرگسالی می‌دانند. در مطالعه ای فرض شده است که الگوهای دلبستگی نا ایمن مرتبط با عزت نفس پایین، نگرش‌های غیر عملکردی و سبک‌های اسناددهی منفی در دوران بزرگسالی هستند. مطالعات دیگر نشان دادند که دلبستگی توام با اضطراب مرتبط با اختلالات اضطرابی و گوش بزنگی بیش از حد است (مظاهری، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه موضوع ارتباط بین الگوهای دلبستگی، خصوصیات هویت و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش آموزان، پژوهشگر بدنبال این مسئله است که آیا بین الگوهای دلبستگی، خصوصیات هویت و خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر کرمانشاه رابطه ای وجود دارد؟

^۴ Alowarad

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرح های غیرآزمایشی یا توصیفی و به طور دقیق تر طرح همبستگی است. جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهر کرمانشاه هستند که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۲۰۰ نفر از دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای استفاده شده است. برای این کار ابتدا از نواحی مختلف آموزش و پرورش، و از بین مدارس پسرانه موجود در این ناحیه، ۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و و از هر مدرسه ۴ کلاس انتخاب گردید در نهایت تعداد ۲۰۰ نفر برگزیده شد.

ابزارهای پژوهش:

در این پژوهش از چهار پرسشنامه استاندارد شده استفاده گردید.

۱) **مقیاس دل بستگی هازن^۵:** این مقیاس توسط هزن و شیور^۶ در سال ۱۹۸۷ ساخته شده است. در قسمت اول سه سبک دل بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برحسب ۲۱ سؤال در مقیاس پنج درجه ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می شوند (۱۸). ضریب آلفای کرنباخ هر یک از زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای یک نمونه ۲۴۰ نفری دانشجویان به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲؛ در پسران ۰/۷۳، ۰/۷۱ و ۰/۷۲ و در دختران ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ گزارش شده است که نشانگر همسانی درونی بالای مقیاس دل بستگی است. همچنین ضریب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در نوبت با فاصله زمانی دوهفته برای کل آزمودنی ها $r=0.92$ برای آزمودنی های دختر $r=0.90$ و برای آزمودنی های پسر $r=0.93$ بوده که نشانگر پایایی بازآزمایی بالای این مقیاس است. نحوه اجرای آزمون: پرسشنامه دل بستگی بزرگسالان میتواند بصورت فردی یا گروهی اجرا شود آزمون هابایستی در یک محیط آرام و با ارائه پرسشنامه به هر کدام از آنها مورد آزمون قرار گیرند. دستورالعمل اجرای هر بخش از پرسشنامه به این صورت است که هر آزمودنی باید از توصیفات راکه با ویژگی های خودش مطابق دارد اعلامت بزند. مدت اجرای براساس زمینه یابی انجام شده ده دقیقه می باشد. نمره گذاری قسمت اول پرسشنامه دل بستگی بزرگسالان براساس درجه بندی آزمودنی برای هر جمله توصیفی روی مقیاس هفت درجه ای از پنوع سیکرت صورت میگیرد به اینطریق که به دایره شمیره یک کاملاً مخالفم نمره یک، دایره شماره دو تا حدی مخالفم نمره دو و ۰۰۰ و به همین طریق به دایره شماره هفت یعنی کاملاً موافقم نمره هفت تعلق می گیرد به این صورت مقیاس رتبه ای سیکرت با تبدیل نمرات و استفاده از مقیاس فاصله ای در تحلیل بکار برده می شود باتوجه به سه توصیفی که بایستی در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد سه نمره بدست می آید که اولین نمره توصیف میزان دل بستگی ایمن دومین توصیف میزان دل بستگی اجتنابی سومین آنها میزان دل بستگی اضطرابی - دوسوگرا نشان میدهد. بخش دوم این پرسشنامه بصورت انتخابی اجباری سه جمله توصیفی است آزمودنی بایستی برحسب اینکه کدامیک از سه توصیف با او همهانگ تراست آن را اعلامت می زند بنابراین شماره های ۱، ۲، ۳، بعنوان مقباس های اسمی نماینگر دل بستگی ایمن اجتنابی واضطرابی - دوسوگرامی باشد که بطور مجزا در تحلیل ها بکار گرفته می شود.

۲) **پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو:** در پژوهش حاضر برای اندازه گیری پنج عامل بزرگ شخصیت از پرسشنامه پنج عاملی نئو (کوستا و مک کری، ۱۹۸۹) استفاده شده است. این پرسشنامه فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عامل بزرگ شخصیت است که از لحاظ روایی و پایایی، هیچ تفاوتی بایکدیگر ندارند. پرسشنامه پنج عاملی نئو بیشترین و وسیع ترین کاربرد

^۵ - Adult Attachment Scale

^۶ - Hazen & Shaver

را در زمینه سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت داشته و از حمایت های تجربی گسترده ای برخوردار است. مزیت استفاده از این پرسشنامه در این است که اجرای آن به زمان کمتری نیاز دارد و همچنین آزمودنی ها برای پاسخ به این پرسشنامه احساس خستگی زیادی نمی کنند. نمره گذاری: این پرسشنامه از ۶۰ گویه براساس مقیاس لیکرت (۱، کاملاً موافقم و ۵، کاملاً مخالفم) تهیه شده است، که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (روانرنجورخویی، برون گرایی، مسئولیت پذیری، سازگاری و دلدپذیر بودن) را اندازه می گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می شود و در نهایت پنج نمره بدست می آید. اعتبار و پایایی ابزار سنجش: حمایت های تجربی خوبی از پایایی و روایی پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نثو وجود دارد و فرم بلند و کوتاه آن از نظر پایایی و روایی تفاوتی با هم ندارند (گروسی، ۱۳۸۰). در پژوهش احدی (۱۳۸۶) پایایی زیرمقیاس های آن به روش ضریب آلفای کرونباخ مابین ۰/۴۸ الی ۰/۶۸ بدست آمده است.

۳) مقیاس قلدری: این پرسش نامه در سال ۱۹۹۳ توسط ریجی و اسلی به منظور بررسی میزان قلدری مقطع ابتدایی تهیه و تنظیم شده است. یک پرسش نامه خود گزارش دهی است که توسط کودک تکمیل می گردد. این پرسش نامه مشتمل بر بیست سوال است که آزمودنی از میان گزینه های هیچ وقت، خیلی کم، در حد متوسط، بعضی وقت ها و بیشتر وقت ها گزینه ی مورد نظر خود را انتخاب می کند و پاسخ های آزمودنی بر اساس مقیاس لیکرتی از ۱ به ۵ نمره گذاری می شود. این مقیاس برای اولین بار توسط طبائیان و امیری (۱۳۸۷) ترجمه و هنجار یابی شده است. برای این مقیاس ۳ زیر مقیاس منظور گردیده است که عبارتند از: زیر مقیاس زورگویی (ضریب آلفای ۰/۷۳)، زیر مقیاس قربانی (ضریب آلفای ۰/۷۰) و زیر مقیاس رفتار پسندیده ی اجتماعی (ضریب آلفای ۰/۵۳). که هشت سوال آن مربوط به رفتار زورگویی است و رفتارهای پسندیده اجتماعی و قربانی هر کدام دارای ۶ سوال می باشد. در مقیاس زورگویی حداقل نمره ۸ و حداکثر نمره ۴۰ می باشد. در مقیاس های قربانی و پسندیده نیز حداقل نمره ۶ و حداکثر نمره ای که آزمودنی کسب می کند ۳۰ می باشد.

یافته ها

جدول ۱ ضرایب همبستگی ساده بین الگو های دلبستگی با قلدری در دانش آموزان

متغیر ملاک	شاخص آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
قلدری	الگو دلبستگی ایمن	-۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	۲۰۰
	الگو دلبستگی نایمن دوسوگرا	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱	
	الگو دلبستگی نایمن اجتنابی	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۱ نشان داده شده است بین الگو دلبستگی ایمن با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۰۰۱$ و $r = -۰/۳۱$). به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی ایمن بیشتری باشند میزان قلدری آنان کاهش پیدا می کند. بین الگو دلبستگی نایمن دوسوگرا با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۴۱$). به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی نایمن دوسوگرا بیشتری باشند میزان قلدری آنان بیشتر خواهد بود. بین الگو دلبستگی نایمن اجتنابی با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p = ۰/۰۲۱$ و $r = ۰/۲۹$). به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی نایمن دوسوگرا بیشتری باشند میزان قلدری آنان بیشتر خواهد بود.

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده بین خصوصیات شخصیتی با قلدری در دانش آموزان

متغیر ملاک	شاخص آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
قلدری	ویژگی شخصیتی روان رنجوری	۰/۱۹	۰/۰۲۳	۲۰۰
	ویژگی شخصیتی برون گرایی	-۰/۲۳	۰/۰۱۲	
	ویژگی شخصیتی گشاده ذهنی	۰/۱۰	۰/۱۲۱	
	ویژگی شخصیتی توافق پذیری	-۰/۲۴	۰/۰۳۱	
	ویژگی شخصیتی وجدانی بودن	-۰/۱۶	۰/۰۴۵	

همان طوری که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین ویژگی شخصیتی روان رنجوری با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($p = 0/19$ و $r = 0/19$). به عبارت دیگر، افزایش ویژگی شخصیتی روان رنجوری با افزایش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. بین ویژگی شخصیتی برون گرایی با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p = 0/12$ و $r = -0/23$). به عبارت دیگر، افزایش ویژگی شخصیتی برون گرایی والدین با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. بین ویژگی شخصیتی گشاده ذهنی با قلدری در دانش آموزان رابطه ای مشاهده نمی شود ($p = 0/10$ و $r = 0/10$). بین ویژگی شخصیتی توافق پذیری با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود ($p = 0/31$ و $r = -0/24$). به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی شخصیتی توافق پذیری با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. همچنین بین ویژگی شخصیتی وجدانی بودن با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p = 0/45$ و $r = -0/16$). به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی شخصیتی وجدانی بودن با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است.

جدول ۳ ضرایب رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش بین سبک دلبستگی (ایمن، نا ایمن اجتنابی و نا ایمن دوسوگرا) و ویژگی های شخصیتی در زمینه (روان رنجور خویی، برون گرایی، گشاده ذهنی، توافق پذیری، وجدانی بودن) با قلدری در دانش آموزان با روش ورود همزمان و مرحله ای

متغیرهای پیش بین	R	R ^۲	F	p=	β	t	p=
الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۰/۵۹	۰/۳۴	۱۴/۸۳	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۵/۴۸	۰/۰۰۰۱
الگو دلبستگی ایمن					-۰/۱۰	-۱/۳۹	۰/۰۶۹
الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی					۰/۳۱	۷/۸۸	۰/۰۰۰۱
ویژگی شخصیتی روان رنجوری					۰/۰۸	۰/۹۸	۰/۳۲۱

							ویژگی شخصیتی برون گرایی	
							ویژگی شخصیتی گشاده دهنی	
							ویژگی شخصیتی توافق پذیری	
							ویژگی شخصیتی وجدانی بودن	
۰/۰۰۰۱	-۵/۶۱	-۰/۲۴						
۰/۳۲۷	۰/۹۸۲	۰/۰۵						
۰/۰۷۸	-۱/۶۳	-۰/۰۹						
۰/۳۵۷	-۰/۹۲۳	-۰/۰۶						
«مردانه»	۱ - الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی	۰/۵۱	۰/۲۶	۲۳/۸۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۵	۸/۱۱	۰/۰۰۰۱
		۰/۵۴	۰/۲۹	۲۶/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۹	۵/۸۸	۰/۰۰۰۱
						۰/۳۷	۴/۹۶	۰/۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۳ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی با قلدری در دانش آموزان از روی متغیرهای سبک دلبستگی (ایمن، نا ایمن اجتنابی و نا ایمن دوسوگرا) و ویژگی های شخصیتی در زمینه (روانرنجور خویی، برون گرایی، گشاده دهنی، توافق پذیری، وجدانی بودن) معنی دار می باشد ($p < ۰/۰۰۱$ و $F = ۱۴/۸۳$). متغیر الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی با ضریب بتای $۰/۳۱$ و متغیر الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا با ضریب بتای $۰/۲۷$ می توانند به طور مثبت و معنی داری قلدری در دانش آموزان را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار R^2 نشان می دهد ۳۴% از واریانس قلدری در دانش آموزان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نیز نشان داده است که متغیرهای الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی و الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا به ترتیب پیش بینی کننده قلدری در دانش آموزان می باشند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد بین الگو دلبستگی ایمن با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی ایمن بیشتری باشند میزان قلدری آنان کاهش پیدا می کند. بین الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا بیشتری باشند میزان قلدری آنان بیشتر خواهد بود. بین الگو دلبستگی ناایمن اجتنابی با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه دانش آموزان دارای الگو دلبستگی ناایمن دوسوگرا بیشتری باشند میزان قلدری آنان بیشتر خواهد بود. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش های بشارت، گلی نژاد و احمدی (۱۳۹۱)، علی اکبریان (۱۳۹۱)، معدنی پور، حق رنجبر، کاکاوند و ثنایی ذاکر (۱۳۹۰)، قادری (۱۳۸۹)، سرکاری (۱۳۸۹)، احدی (۱۳۸۷)، زارع و فرخی (۱۳۸۶) همسو و هماهنگ است.

در تبیین نتایج فرضیه اول می توان گفت که دانش آموزانی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند قادرند درباره کیفیت و اثرات دلبستگی خود و مثبت و منفی بودن این ارتباط بطور منطقی بحث کنند. آنها اهمیت رابطه دلبستگی را در دوران کودکی تایید می کنند. دانش آموزان ایمن تجسم مثبت و حمایت گر از چهره دلبستگی دارند، این تجسم مثبت، احساس خود ارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده و خود را قادر می سازد که عواطف منفی خود را به شیوه ای سازنده تعدیل کند. ویژگی های دیگر افراد ایمن آن است که کمتر از خطرات می ترسند زیرا در موقعیت خطرناک خود را تنها احساس نمی کنند. تمایل به برقراری ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران دارند، از اعتماد به نفس بالاتری نسبت به بزرگسالان نا ایمن

برخوردارند، نسبت به دنیا و دیگران نگرش مثبت داشته و به آن اعتماد دارند. کسانی که دلبستگی مطمئن دارند معمولاً به دنبال روابط قابل اعتمادتر و پایدارتری هستند. سایر ویژگی های کلیدی دلبستگی مطمئن در بزرگسالان شامل خودباوری زیاد، لذت بردن از روابط صمیمانه، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی در به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران است. پژوهشگران در یک مطالعه دریافتند که زنانی که دارای سبک دلبستگی مطمئن هستند، احساسات مثبت تری درباره روابط عاطفی و عاشقانه خود دارند. دانش آموزان با دلبستگی دوسوگرا به شدت نسبت به بیگانگان مشکوک هستند. این دانش آموزان به هنگام جدا شدن از مراقبان خود، ناراحتی زیادی نشان می دهند اما با بازگشت آنها نیز به نظر نمی رسد که آرامش یافته اند. در بعضی موارد، دانش آموزان ممکن است مراقبان خود را طرد کند و به سراغ آنها نرود و یا به طور آشکار به آنها پرخاش کند. بر طبق مطالعات و پژوهش های انجام شده، دلبستگی دوسوگرا نسبتاً غیر متداول است و تنها در ۷ تا ۱۵ درصد افراد وجود دارد. کاسیدی و برلین (۲۰۰۷) در مورد مطالبی که درباره دلبستگی دوسوگرا نوشته شده است نیز دریافتند که پژوهش های مشاهده ای همگی دلبستگی دوسوگرا- نامطمئن را با در دسترس نبودن مادر به قدر کافی مرتبط دانسته اند. این کودکان به تدریج که بزرگتر شده اند، معلمانشان آنها را وابسته و متکی به دیگران توصیف کرده اند. در بزرگسالان، کسانی که دلبستگی دوسوگرا دارند غالباً تمایلی به نزدیک شدن با دیگران ندارند و نگرانند که طرف مقابلشان متقابلاً به احساسات آنها پاسخ ندهد. این امر به قطع متوالی رابطه، غالباً به دلیل احساس سرد شدن رابطه و دوری، می انجامد. این افراد پس از خاتمه یافتن یک رابطه، بسیار احساس آشفتگی و پریشانی می کنند. کاسیدی و برلین آنگوی آسیب شناسانه دیگری را نیز در بزرگسالانی که سبک دلبستگی دوسوگرا دارند توصیف کرده اند، بدین ترتیب که این افراد به عنوان منبع امنیت به کودکان کم سن و سال وابستگی پیدا می کنند. دانش آموزانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی) هستند از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب کرده و در مقیاس هایی که روابط عاشقانه و رمانتیک را بررسی می کنند، نمرات پایین تری بدست می آورند. در مصاحبه های دلبستگی بزرگسالان، با راهبردهایی مانند تاکید بر خود پیروی و اتکا به خود اهمیت رابطه با چهره دلبستگی را انکار می کنند و سعی در حفظ فاصله از چهره دلبستگی، ممانعت از بروز هیجانات منفی و نوعی اتکا به خود وسواسی دارند. دانش آموزانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن (دوسوگرا) هستند در روابط عاطفی خود با دیگران انحصار گرا و وابسته بوده دائماً نگران طرد و رها شدن از سوی دیگران هستند و با وابستگی شدید به دیگری سعی در کاهش اضطراب جدایی خود دارند. آنها نسبت به عواطف منفی خود در ارتباط با تجارب دلبستگی دوران کودکی هشیارند و در نتیجه از اضطراب و احساس درماندگی خود نیز آگاه هستند.

نتایج نشان داد بین ویژگی شخصیتی روان رنجوری والدین با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش ویژگی شخصیتی روان رنجوری والدین با افزایش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. بین ویژگی شخصیتی برون گرایی والدین با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش ویژگی شخصیتی برون گرایی با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. بین ویژگی شخصیتی گشاده ذهنی والدین با قلدری در دانش آموزان رابطه ای مشاهده نمی شود. بین ویژگی شخصیتی توافق پذیری با قلدری در دانش آموزان رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود. به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی شخصیتی توافق پذیری والدین، با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. همچنین بین ویژگی شخصیتی وجدانی بودن با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش ویژگی شخصیتی وجدانی بودن والدین، با کاهش با قلدری دانش آموزان همراه شده است. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش های محسن زاده، عارفی و افطاری (۱۳۹۴)، جعفری سیاوشانی، کیامنش و برجعلی (۱۳۹۳)، رفاهی (۱۳۸۷)، دینو و کوپر (۲۰۱۵)، نانسل و همکاران (۲۰۱۴)، کراترز و هادگینز (۲۰۱۲) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته های این فرضیه می توان گفت که دانش آموزانی که دارای ویژگی شخصیتی روان رنجورویی هستند، تمایل عمومی به

تجربه عواطف منفی چون، غم، دست پاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت را دارند. در این فرضیه نشان داده شد که ویژگی شخصیتی روان رنجوری با قلدری در دانش آموزان رابطه مثبت وجود داشت.

همچنین می توان گفت دانش آموزان برون گرا به خوشه ای از صفات اطلاق می گردد و آن درجه ای است که شخص، پراورزی، معاشرتی، جسور، فعال، هیجان طلب و دارای شور و شوق، دارای اعتماد به نفس و دارای احساس مثبت است. افراد برون گرا تمایل به اجتماعی بودن، احساسی بودن و صمیمی بودن داشته و معمولاً با افراد متفاوت بهتر کنار می آیند. برون گرایان هنگام کار و حیات و حالات مثبت داشته، نسبت به شغلشان احساس رضایت بیشتر و عموماً درباره ی سازمان و محیط پیرامونی شان احساس بهتری دارند. برون گراها کلاً در دنیای بیرون سیر می کنند. آنها دوست دارند که سرخوش، اجتماعی، رقابت جو، سریع و واقع گرا باشند. برای آنها هر چیزی که شفاف تر و مشخص تر باشد بهتر است. آنها ابهام را تحمل نمی کنند. غیر از این، برخلاف درون گراها، برون گراها عاشق فردیت هستند. آنها دلشان می خواهد که با دیگران فرق داشته باشند و این فرق داشتن را ابراز کنند. برای همین است که برون گراها خیلی رقابت جو، مستقل و حتی پرخاشگر هستند. یک آدم برون گرا گاهی حتی اشتباه قبلی خودش را نمی پذیرد و با لجابت می خواهد حرفش را به کرسی بنشانند. درون گراها برون گراها را به پرحرف بودن، سطحی بودن، پرخاشگر بودن و بی توجهی به دیگران متهم می کنند. همچنین می توان گفت که افراد وظیفه شناس افرادی پر نیرو، جاه طلب و سخت کوش هستند. آنها علی رغم موانع موجود در رفع آنها مصرند و تمایل به دقت و کامل بودن دارند. وظیفه شناسی معمولاً با پشتکاری و شایستگی جسمانی مرتبط می باشد. افراد فاقد وظیفه شناسی از باریک بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد اجتناب می کنند. این عامل شامل صفاتی همچون سازمان دهی، دقت و قابلیت اطمینان با صفاتی همچون بی دقتی، سهل انگاری و عدم اطمینان می باشد. می توان گفت دانش آموزانی که به طور کلی افراد انعطاف پذیر هم درباره دنیای درونی و هم درباره دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آنها از لحاظ تجربه غنی است، چون تجارب جدید را می پسندند و می خواهند آنها را لمس کنند. خود به دنبال تجارب می روند و سعی می کنند تجارب مختلفی کسب کنند. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش غیر متعارف بوده و برای شنیدن و گوش کردن و بررسی عقاید جدید و اندیشه های نو رغبت نشان می دهند. البته این مساله بدان معنی نیست که آنها همواره در صدد پذیرش عقاید جدید هستند. ممکن است چنین اتفاقی بیافتد و یا اینکه رخ ندهد. آنها تمایل دارند این ایده های جدید را بشنوند، بررسی کنند و مورد توجه قرار دهند، هر چند آنها را بپذیرند یا نپذیرند. این افراد هیجانی تر هستند و انواع مختلفی از هیجانات مثبت و منفی را تجربه می کنند و شدت تجربه این هیجانات در آنها بیشتر از سایر افراد است. اشخاص انعطاف پذیر غیر سنتی و غیر متعارف هستند. علاقمند هستند همیشه سوال کنند و آماده پذیرش عقاید سیاسی و اجتماعی اخلاقی هستند. این تمایلات به این معنی نیست که آنها افرادی غیر اصولی هستند و پایبندی به اصول و عقاید خود ندارند. یک فرد انعطاف پذیر ممکن است به سیستم ارزشهای خود مسئولانه پاسخ دهد و همچون یک سنت گرا از آنها دفاع کند. افراد انعطاف ناپذیر افراد بسته تری هستند. تجارب جدید چندان برای آنها جذاب نیست و احساس راحتی بیشتری با تجارب قدیمی خود دارند. آنها تمایل دارند رفتار متعارف تری داشته باشند و دیدگاه خود را حفظ کنند. علاوه بر این در برخورد با تجارب تازه، موارد آشناتر را ترجیح می دهند. بطوری که در انتخاب یک موضوع، بدون در نظر گرفتن سایر عوامل با احتمال بیشتری موضوعی را که آشنایی بیشتری با آن احساس می کنند، انتخاب کنند. در زندگی روزمره ممکن است رفت و آمد از یک مسیر را که به آن عادت کرده اند ترجیح دهند و به سختی حاضر به تغییر مسیر خود شوند. با اینکه این افراد حیطه محدودتری را برای فعالیت انتخاب می کنند، اما ثبات بیشتری در علاقه به حیطه فعالیت خود نشان می دهند. همچنین آنها تمایلی به حفظ وضعیت اجتماعی و سیاسی هستند. تغییرات جدید در این افراد کمی تنش و ناراحتی ایجاد می کند تا زمانی که به این تغییرات جدید خوگیری پیدا کنند. همانند برون گرایی، دلپذیر بودن مقدماً بعدی از تمایلات بعدی از تمایلات بین فردی است. یک فرد دلپذیر اساساً نوع دوست است، او نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک کننده هستند. درمقابل فرد غیر دلپذیر ستیزه جو، خودمدار و شکاک نسبت به دیگران بوده و رقابت جو است تا همکاری کننده.

برونگراها علائق و انرژی خود را به جهان برونی معطوف می‌سازند. آنها برانگیختگی جنسی و نیز تحریک را دوست دارند و متمایلند که بشاش باشند. عامل برونگرایی شامل صفاتی همچون پر حرفی، جرأت ورزی، و سطح فعالیت با صفاتی همچون حرف نزدن، پذیرا بودن توداری است. همانند برونگرایی، دلیپذیر بودن بعدی از تمایلات بین فردی است. افراد دلیپذیر به هم حسی و حمایت بین شخص تمایل دارند. قطب مقابل خوشایندی مخالفت ورزی است این افراد فاقد هم حسی و کله شق هستند. این عامل شامل صفاتی همچون مهربانی، اعتماد، گرم بودن با صفاتی همچون خصومت، خودخواهی و بی‌اعتماد است. دانش آموزان بسیار مایلند که دلیپذیر بودن را هم به عنوان صفتی که از لحاظ اجتماعی مطلوب است و هم از لحاظ روانی حالت سالمتری است، ببینند. این امر نیز حقیقت دارد که افراد دلیپذیر مقبول تر و محبوب تر از افراد ستیزه جو هستند، ولی باید توجه داشت که آمادگی برای جنگیدن برای منافع خود هم یک امتیاز است و لذا دلیپذیر بودن در میدان جنگ یا در صحن دادگاه فضیلتی محسوب نمی‌شود. همچنین تفکر انتقادی و بدبین بودن در علم نیز به تحلیل های صحیح علمی کمک می‌کند. هیچ یک از دو قطب انتهای این عامل از نقطه نظر جامعه مطلوب نیست و نیز هیچ یک لزوماً در مورد سلامت روانی فرد نیز مفید نمی‌باشد.

نتایج نشان داد، رگرسیون پیش بینی با قلدری در دانش آموزان از روی متغیرهای سبک دلبستگی (ایمن، نا ایمن اجتنابی و نا ایمن دوسوگرا) و ویژگی های شخصیتی در زمینه (روانرنجور خوبی، برون گرایی، گشاده ذهنی، توافق پذیری، وجدانی بودن) معنی دار می‌باشد. متغیر الگو دلبستگی نا ایمن اجتنابی و متغیر الگو دلبستگی نا ایمن دوسوگرا می‌توانند به طور مثبت و معنی داری و قلدری در دانش آموزان را پیش بینی کنند. در تبیین نتیجه این فرضیه می‌توان گفت که امروزه، دلبستگی در دانش آموزان، مرکز توجه روابط هیجانی عمده بوده و می‌تواند چارچوبی سودمند را در راستای مفهوم سازی و شیوه های درمانی در ارتباط با بزرگسالان مشکل دار ارائه دهد و نظریه ی دلبستگی بزرگسالان بعنوان یکی از مراکز توجه مشاوران در زمینه های مشاوره با افرادی است که روابط بین فردی معیوبی را تجربه می‌کنند. اثرات دلبستگی، نه تنها بر روی روابط بین فردی بلکه در زمینه ی آسیب شناسی روانی دانش آموزان حایز توجه است؛ رخدادهایی که درارتباط با دلبستگی کودک بوده به گونه ای غیر مستقیم می‌تواند جنبه هایی از احساس و افکار دانش آموز را نیز شامل شود. الگو های دلبستگی بر روی تفکر، احساس و خاطرات افراد اثر گذاشته و بعنوان یکی از عوامل شناخته می‌شود که در تشخیص آسیب شناسی روانی، چشم اندازه های نوینی را منعکس ساخته اند. همچنین والدین از عوامل مهمی هستند که به فرزندان کمک می‌کنند تا از عهده ی آن چه که لازمه ی مستقل شدن است برآیند و تبدیل به بزرگسالی توانا، متکی به خود دارای تصویر مثبت از خود شوند. والدین برای بدست گرفتن ابتکار عمل و انجام وظیفه لزوماً اطلاعات خود را هر روز باید غنی تر کنند تا بتوانند بر کودکان خود مؤثر واقع شوند. پژوهشگران معتقدند رابطه های والد فرزندی بر جهت یابی های تشخیص و رشد نیازهای روان شناختی و سایر خصوصیات فردی تاثیر می‌گذارد و شیوه های فرزند پروری والدین در برگیرنده ی الگوهای گسترده ای از تربیت کودک و ارزش ها و رفتارهای خاص تربیتی والدین است که در رشد و شکوفایی فرزندان و هم چنین طرز رفتار فرزندان نفوذ فراوانی دارند. در برخی از موارد نیز اعضای ضعیف تر گروه، به ارتکاب بزهکاری یا اقدام های جسورانه و خطرناک وادار می‌شوند و ظاهراً این قضیه هم درباره پسران صدق می‌کند و هم دختران. درباره قربانیان عوامل مشخص وجود دارد که کودکان را آسیب پذیر می‌کند، از جمله تفاوت در نژاد، مذهب، زمینه اجتماعی اقتصادی و هوش علاوه بر این، از برخی عوامل شخصیتی نیز می‌توان نام برد. یکی از عواملی که می‌تواند رفتارهای کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد ویژگی های شخصیتی است.

منابع

- آهنگر انزایی، احد، شریفی درآمدی، پرویز، فرج زاده، رباب. (۱۳۹۰). رابطه سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، مجله پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، ص ۱۰۸.
- احمدوند، محمدعلی. (۱۳۸۷). بهداشت روانی، تهران انتشارات پیام نور

- ابراهیمی گلشن، گلرخ. (۱۳۹۰). خصوصیات روش های تربیت فرزند والدین از دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهرستانهای شیراز. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شیراز
- اسدی، فاطمه، حسن زاده، مهری، متدین، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبکهای فرزند پروری و عزت نفس با میزان اضطراب در نوجوانان مقطع راهنمایی. ششمین همایش بین المللی کودکان و نوجوانان. تبریز.
- اکبری، زهرا؛ وفائی، طیبیه؛ خسروی، صدرالله. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی و میزان تابآوری همسران جانبازان. مجله علمی - پژوهشی طب جانباز، ۳(۱۰)، ۱۷-۱۲.
- براهنی، محمدنقی، ۱۳۸۶، زمینه روان شناسی هیلیگارد، تهران، انتشارات رشد
- بشارت محمد علی، شریفی ماندانا، ایروانی محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه الگو های دلبستگی و مکانیزم های دفاعی. مجله روانشناسی، شماره ۱۹، صفحات ۲۷۷ تا ۲۸۲
- بشارت، محمد علی، گلی نژاد، محمد، احمدی، علی اصغر، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مشکلات بین شخصی. مجله روانشناسی، شماره ۱۹، صفحات ۲۷۷ تا ۲۸۲
- پاک دامن شهلا، خانجانی مهدی. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبکهای دلبستگی و جمع گرایی در دانشجویان شهدا پاکدامن، مهدی خانجانی فصلنامه پژوهش های روان شناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴
- دیباچی فروشانی، فاطمه سادات؛ امامی پور، سوزان؛ محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). رابطه الگو های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان. مجله اندیشه و رفتار. ۳(۱۱)، ۸۷-۱۰۱
- رضایی جمالوی، حسن؛ حرفتی سبحانی، رعنا؛ زاهد بابلان، عادل (۱۳۹۱)، رابطه دلبستگی به خدا و تاب آوری با معنا داری در زندگی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. دوره ۳.
- راس، آلن او، (۱۹۹۲). شخصیت، نظریه ها و فرایندها ترجمه احمد رضوانی، ۱۳۸۹، تهران، انتشارات روان.
- شولتز، دوان پی، سیدنی آلن. (۱۹۹۸). نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۸۵
- فیست، حسبی، فیست، گریگوری. (۲۰۰۲). نظریه های شخصیت ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۸). انتشارات روان.
- قادری، کامران. (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه الگو های فرزند پروری والدین کودکان زورگو با والدین کودکان عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، منتشر شده، دانشگاه علامه طباطبائی
- گروسی، میرتقی. (۱۳۸۹). هنجاریابی جدید شخصیتی (NEO) و بررسی تحلیلی ویژگی ها و ساختار عاملی آن بین دانشجویان دانشگاه های ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی، سیمرا، عسکری، زهره، مهربابی، طیبیه. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک فرزند پروری زنان شاغل در مراکز درمانی با اضطراب، گوشه گیری و پرخاشگری کودکان پیش دبستانی، فصلنامه پژوهش پرستاری، دوره ۱۱، شماره ۲.
- پورسید، رضا، امیری، شایان، مولوی، حسین. (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه آموزش کاهش زورگویی در دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی، فصلنامه پژوهش در حیطه ی کودکان استثنایی، سال دهم، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۲۱.
- آجیل چی، بیتا، احمد برجعلی و مسعود جان بزرگی. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت های فرزندپروری در کاهش تنیدگی مادران، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی شماره چهارم، سال اول، صص ۱-۱۷

محمدی، علی و احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان؛ راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده. *فصلنامه خانواده پژوهی*. دانشگاه شهید بهشتی، سال پنجم، شماره بیست، صفحات ۴۸۵-۴۶۷.

بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۹). *روانشناسی نوجوانان*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ابهری، مجید. (۱۳۹۰). آسیب های اجتماعی (زمینه های بروز، راهکارها، پیشگیری و مقابله). تهران چاپ اول، نشر پشوتن.

گورین، سوزان، هنسی، الان. (۲۰۰۳). پرخاشگری یا زورگویی در کودکان و نوجوانان، ترجمه حسن توننده جانی و نسرین کمال پور، (۱۳۹۱) مشهد: انتشارات مرنديز.

زارعی، اقبال. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد - دوره ۱۸، شماره ۳، ویژه نامه همایش رفتارهای پر خطر صفحه: ۲۲۴-۲۲۰

Bentley, K. M., & Li, A.K.F. (۲۰۱۳). Bully and victim problems in elementary schools and students'

beliefs about aggression. *Canadian Journal of School Psychology*, ۱۱, ۱۵۳-۱۶۵.

De Neve, K. Cooper, D.L. and Simon, T.R. (۲۰۱۵). Factors associated with bullyingbehavior in

middle school students. *Journal of Early Adolescence*, ۱۹ (۳), ۳۴۱-۳۶۲.

Epwright, T. D., Kashani, J. H., Robinson, B. D., & Ride,J.C. (۲۰۱۳).Comorbidity of conduct disorder and personality disorder in an incarcerated juvenile population..*American Journal of Psychiatry*, ۱۵۰, ۱۲۳۳-۱۲۳۶.

Ezzo, Frank R., Pinsoneault Terry, B., & Evans Thomas, M. (۲۰۱۲).Comparison of MMPI-۲profiles between childmaltreatment cases and two types of custody cases. *Journal of Forensic Psychology*,۷۰,۲۹-۴۳.

Carlson, L. E., Specia, M., Patel, K. D., & Goodey, E. (۲۰۰۳).Mindfulness-Based Stress Reduction in Relation to Quality of Life, Mood, Symptoms of Stress, and Immune Parameters in Breast and Prostate Cancer Outpatients.*Psychosomatic Medicine*, ۶۵, ۵۷۱-۵۸۱.

Kratzer, L., & Hodgins,S. (۲۰۱۲). Adults outcomes of child conduct problems: a cohort study. *Journal of Abnormal Child Psychology*, ۲۵, ۶۵-۸۱.

Sheri,T., Frederick, S., &Ghahramanlou, H. (۲۰۱۳). An empirical study of the perspnality characteristics of internet sex offenders. *Journal of Sexual Aggression*,۱۵,۱۳۹-۱۴۸.

Klicpera, C., &Klicpera, B. G. (۲۰۱۴). The situation of bullies and victims of aggressive acts in school. *Praxis der Kinderpsychologie und Kinderpsychiatrie*, ۴۵, ۲-۹.

Nansel, T. R., Overpeck, M., Pilla, R. S., Ruan, W. J., Simons-Morton, B., & Scheidt, P. (۲۰۱۴). Bullying behaviors among U.S. youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *Journal of the American Medical Association*, ۲۸۵(۱۶), ۲۰۹۴-۲۱۰۰.

Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chauxhan, P., & Friend, R. (۲۰۱۲). The Relationship between narcissistic and antisocial personalities. Saint Bonaventure University.

Fox, L.C. Baulton, J.M. (۲۰۰۶). Friendship as a moderator of the relationship Aggressive Behavior, ۳۲, ۱۱۰-۱۲۱.